

پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷
ص. ۶۴۵-۶۵۹

DOI: 10.22059/jhgr.2017.202799.1007195

بررسی جایگاه شاغلان بخش غیررسمی در پایداری اقتصاد شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)

داریوش ظفری* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
میرستار صدر موسوی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
محمدرضا پورمحمدی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

کلان‌شهر تبریز نمونه‌ای از مدل‌های توسعه شهری است که در پی تحولات ناشی از اصلاحات اراضی و ایجاد قطب رشد و مراکز صنعتی در دهه‌های اخیر به کلی متحول، و گرفتار ساختاری متخلخل و بیمارگونه شده است. نوع این پژوهش کاربردی-توسعه‌ای، توصیفی-تحلیلی است که در آن مطالعه موردی، و تکنیک‌های اسنادی-کتابخانه‌ای و میدانی به کار رفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه، آمارنامه‌های مرکز آمار ایران، اطلاعات حاصل از نقشه‌های تحلیلی تولیدشده در محیط GIS، اسناد موجود در شهرداری‌های مناطق و طرح‌های توسعه شهری تبریز است. در این پژوهش از مدل‌ها و روش کمی مانند آزمون خی‌دو و وی‌کرامر، همچنین از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS، نرم‌افزارهای Arcview و SPSS استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش تمام شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی در مادرشهر تبریز هستند. حجم نمونه ۳۹۰ نفر و شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای و چندمرحله‌ای از مناطق ده‌گانه تبریز است. داده‌های پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. براساس یافته‌های پژوهش، فعالیت‌ها در بخش غیررسمی، تنوع زیادی دارند. همچنین عمده‌ترین دلیل ورود افراد به این بخش، اشتغال‌نداشتن در بخش رسمی اقتصاد و نبود سرمایه کافی و تخصص و سواد است. مهم‌ترین مشکلات شغلی این گروه، کمبود سرمایه و نداشتن مکان ثابت و مناسب است. بیشتر شاغلان این بخش، مالیات پرداخت نمی‌کنند. همچنین میزان اشتغال در بخش غیررسمی در بین جمعیت مهاجر بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد غیررسمی، پایداری شهری، شغل غیررسمی، کلان‌شهر، کلان‌شهر تبریز.

مقدمه

شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری یکی از ویژگی‌های اصلی عصر حاضر است که پس از انقلاب صنعتی در اروپا اوج گرفت و در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای درحال توسعه شتاب قابل توجهی یافت (بردار، ۱۳۸۸: ۳). ماهیت کیفی این پدیده جهانی در کشورها متنوع است؛ به طوری که در برخی از آن‌ها همراه با مهارت، ارتقا، صنعتی شدن و گسترش بخش رسمی، و در برخی دیگر با گسترش بخش غیررسمی و سنتی همراه است (Yuki, 2007). شهرنشینی سریع به همراه افزایش جمعیت شهرها، همراه با مدیریت ناکارآمد و تأثیرات ناشی از اقتصاد سیاسی، موجب رواج بیکاری در شهرهای جهان سوم شده است. همچنین تلاش برای تأمین حداقل معاش و رهایی از فقر، سبب شده است تا بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در شهرها به سوی بخش غیررسمی گرایش پیدا کنند (جمالی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۹). در عام‌ترین تعریف، بخش غیررسمی هرگونه فعالیت اقتصادی یا منبع درآمدی را شامل می‌شود که در معرض مقررات دولتی، مالیاتی یا مشاهده قرار نمی‌گیرد (Schneider, 2007)؛ بنابراین آنچه تحت عنوان «اقتصاد غیررسمی» از آن نام برده می‌شود، مفهومی کلی از رسمیت نیافتن را نشان می‌دهد که به پیروی نکردن کارفرمایان و کارگران از تمام یا تعدادی از قواعد و مقررات در مجموعه قوانین ملی یا محلی، جاری یا قوانین کار مربوط می‌شود (ستاری‌فر، زارعی و شکرعی، ۱۳۹۳: ۴).

اشتغال غیررسمی بخش قابل توجهی از اشتغال امروز را به خود اختصاص داده است. این امر، شامل شاغلانی است که به طور قانونی یا عملی، در معرض قوانین ملی کار و مالیات بر درآمد یا تحت حمایت اجتماعی و مزایای شغلی نیستند. در بیشتر کشورهای درحال توسعه، اشتغال غیررسمی از نیروی کار شاغل رسمی بیشتر است (ILO, 2007). همچنین در بسیاری از تجمعات شهری رو به توسعه، بیش از نیمی از جمعیت از نظر اقتصادی فعال، در بخش غیررسمی اشتغال دارند و در زیست‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. این امر بیانگر نمودهایی از فقر شهری، و نشان‌دهنده مدیریت ناکارآمد شهری است. بخش غیررسمی تنها راه حل برای بقا، و پاسخی به بحران‌های شهری برای گروهی از مردم است، اما این نکته مهم است که چگونه می‌توان به بخش غیررسمی کمک کرد تا به مرور زمان به بخش رسمی بپیوندد (هال و فایفر، ۱۳۸۸: ۱۰۲)؛ زیرا شهر متشکل از مجموعه نظام‌های فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی است و پایداری شهری بیش از همه، مفهومی اقتصادی-اجتماعی است؛ بنابراین، هرچه زندگی علمی‌تر و صنعتی‌تر می‌شود، به همان اندازه افراد نیاز دارند تا تخصص‌های لازم را برای رفع نیازهای خود بیاموزند. جوامعی که نتوانند به اندازه کافی افرادی متخصص را تربیت کنند، ناچار نیروی کار آن‌ها به سوی مشاغلی سوق می‌یابد که به تخصص نیاز ندارند (نواح، حسین‌زاده و درویشی، ۱۳۸۶: ۳). با توجه به موارد ذکر شده و گستردگی مفهوم بخش غیررسمی، ظهور نشانه‌هایی در انواع مشاغل غیررسمی و افزایش توزیع و تراکم آن به عنوان پدیده بارز شهری در سطح کلان‌شهر تبریز می‌توان گفت بخش زیادی از اقتصاد مادر شهر تبریز را بخش غیررسمی تشکیل می‌دهد. همچنین بخشی از جمعیت فعال شهر تبریز در بخش غیررسمی اقتصاد، مشغول به فعالیت هستند و این فعالیت تنها راه تأمین نیازهای اولیه زندگی‌شان است. از آنجا که بیشتر این افراد مهارت و تخصصی ندارند، همچنین تعداد اندکی از آن‌ها هم که مهارتی دارند، به علت اشباع بازار نمی‌توانند در بخش رسمی اقتصاد شهر جذب شوند؛ از سوی دیگر نمی‌توان حق افراد را برای داشتن شغل و درآمدی برای ادامه زندگی نادیده گرفت، این پرسش مطرح می‌شود که راهکار مناسب ساماندهی فعالیت‌ها در بخش اقتصاد غیررسمی در شهر تبریز کدام است؟ از این رو پژوهش حاضر بر آن است که ضمن بررسی جایگاه اقتصاد بخش غیررسمی، وضعیت شاغلان این بخش را در کلان‌شهر تبریز با پژوهشی میدانی مبتنی بر پرسشنامه و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود اوضاع فعلی این مشاغل بررسی کند. به منظور بررسی وضعیت شاغلان بخش غیررسمی کلان‌شهر تبریز و براساس پژوهش‌های پیشین می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:

۱. میان مهاجرت و فعالیت در بخش اقتصاد غیررسمی رابطه وجود دارد؛
۲. میان اسکان غیررسمی و فعالیت در بخش اقتصاد غیررسمی رابطه وجود دارد؛
۳. میان تحصیلات و فعالیت در بخش اقتصاد غیررسمی رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

اقتصاد بخش غیررسمی مجموعه‌ای از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی است که نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارند و اندازه و مقیاس آن در مراحل مختلف توسعه، متفاوت است (Elgin and Oyvat, 2013: 38). می‌توان اقتصاد غیررسمی را شامل واحدهایی دانست که کالا و خدمات را به فرض ایجاد شغل و درآمد به صورت شخصی ایجاد می‌کند. واحدها هم به وسیله سطوح پایین‌تر، سازماندهی و با تفاوت ناچیزی میان کار و سرمایه در مقیاس کوچک مشخص می‌شوند (Romer, 2009: 1-5). اقتصاد غیررسمی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی گفته می‌شود که ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشد، اما به دلیل اینکه گزارش نمی‌شوند اندازه‌گیری آن‌ها هم صورت نمی‌گیرد. در مقابل اقتصاد بخش رسمی قرار دارد که مبتنی بر کار در چارچوب قوانین رسمی یک کشور است و مهم‌ترین ویژگی‌های آن کار مبتنی بر دستمزد مشخص، داشتن حداقل دستمزد، ساعات کار مشخص، محیط کار امن و سالم و داشتن بیمه تأمین اجتماعی کارکنان است (Daniels, 2004: 502). مفهوم اقتصاد غیررسمی، در اصل از ادبیات موجود در مشکلات کشورهای درحال توسعه گرفته شده است. در این کشورها، تعداد زیادی از افراد در بخش رسمی اقتصاد جذب نشده‌اند که این عامل سبب توجه گروهی از آن‌ها به بخش غیررسمی و مشارکت در این بخش شده است. فعالیت‌های مربوط به این بخش نقش مهمی در کشورهای درحال توسعه ایفا می‌کند و منبع درآمدی مناسبی برای افراد محسوب می‌شود (Dell'Anno and Solomon, 2008: 2537-2555). درحالی‌که معمولاً در کشورهای توسعه‌یافته، انگیزه خروج از بخش رسمی به مراتب کمتر است (Oviedo, 2009: 27).

براساس تعریف فایگ (۱۹۹۰)، اقتصاد غیررسمی به چهار دسته تقسیم می‌شود: غیرقانونی، گزارش نشده، ثبت نشده، غیررسمی. منظور از بخش غیرقانونی، همه فعالیت‌هایی است که از نظر قوانین یک کشور ممنوع است؛ مانند قاچاق مواد مخدر.

فعالیت‌هایی از جمله قاچاق کالا و فرار مالیاتی که معمولاً در پاسخ به سیاست‌های دولت صورت می‌گیرد، در بخش گزارش نشده قرار می‌گیرند.

فعالیت خانه‌داری در منزل و فعالیت‌های داوطلبانه در بخش ثبت نشده قرار می‌گیرد. بخش غیررسمی هم شامل تولیدات جزئی است که با پیشرفت سیستم‌های ثبت اطلاعات به تدریج کاهش می‌یابند (Fige, 1990: 13).

بخش غیررسمی، بخش مهمی از اقتصاد و بازار نیروی کار را در کشورهای درحال توسعه تشکیل می‌دهد. این بخش با تدبیر کالاها و خدمات، انتقال مهارت توسط تازه‌واردان به این قسمت، کاهش بیکاری و به کارگرفتن سرمایه‌های فردی نقش عمده‌ای در تولید، ایجاد اشتغال و درآمد ایفا می‌کند (توماس، ریسکاوچ، سیستو، ۱۳۷۶: ۱۵۹). شناسایی اقتصاد غیررسمی و اندازه‌گیری آن خیلی دشوار است؛ زیرا مشاغل غیررسمی، پدیده‌ای رنگارنگ، شناور و پیوسته در حال تغییر هستند (Daniels, 2004: 203). نیروی کار بخش غیررسمی زیاد و نامتجانس است و دو بخش خوداشتغالان در بخش غیررسمی، یعنی تشکیلات اقتصادی (کوچک و کنترل نشده) و کارگران مزدبگیر در مشاغل (کنترل شده و حمایت شده) را شامل می‌شود (Chen, 2005: 7). به طور کلی تعریف بخش غیررسمی در هر کشور و حتی در هر منطقه، با توجه به چارچوب‌ها و محدودیت‌های نهادی و میزان توسعه‌یافتگی، از مناطق دیگر متفاوت است؛ بنابراین، در مطالعات پیرامون

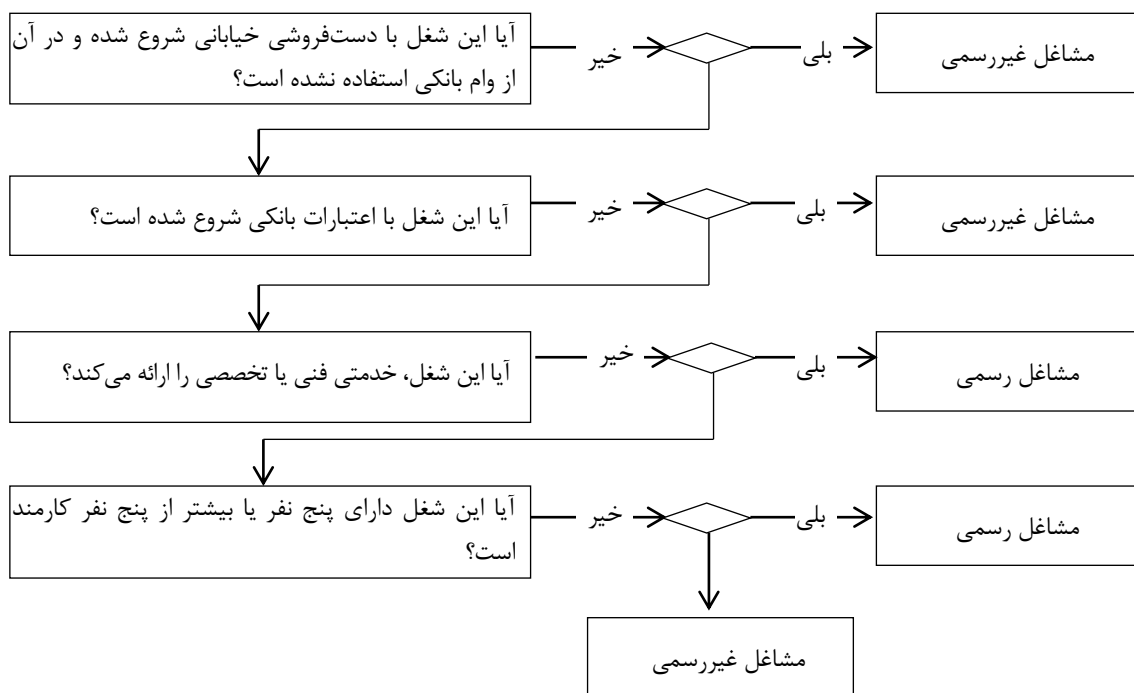
بخش غیررسمی، به‌ویژه در انتخاب معیار برای برآورد، اندازه و ساختار این بخش، رویکردهای متنوع و متفاوتی وجود دارد (رنانی و باباحیدری ۱۳۸۵: ۹۴).

پژوهش‌های زیادی در مورد اهمیت و حجم اقتصاد بخش غیررسمی، نقش آن در بخش اقتصادی شهری و توزیع درآمد و اشتغال، به‌ویژه تعامل آن با بخش رسمی انجام شده است. بررسی ۵۵۰۷ خانوار شهری در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ نشان داد کیفیت حکمرانی و کارایی دولت در مناطق مختلف، تأثیر منفی بر اشتغال غیررسمی دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سطح تحصیلات پایین در اشتغال غیررسمی مؤثر است (Jonasson, 2011: 429-441).

گولزر و همکاران به اندازه‌گیری و بررسی علل و آثار گسترش اشتغال غیررسمی و پنهان، میان سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۳ در پاکستان پرداختند. برای این منظور از پنج روش پولی ساده، OLS، پویا، مصرف الکتریسیته، پژوهش پیمایشی و رویکرد شاخص‌های چندگانه‌ی علل چندگانه (MIMIC) استفاده کردند که حالت خاص مدل‌سازی معادلات ساختاری است. در مجموع، نتایج مطالعه این‌ها بیانگر حجم ۳۰ تا ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی، برای اشتغال پنهان و غیررسمی است. این مسئله از موانع فرهنگی، سواد پایین، موانع نهادی ورود به بازار، رشد پایین و نابرابر خدمات عمومی، و کاهش قدرت خرید مردم نشئت می‌گیرد (Gulzar et al, 2012: 665-704).

هندلی و اربشیبانی با استفاده از تحلیل پرسشنامه‌های گردآوری‌شده از خانوارهای برزیلی در سال‌های ۱۹۹۲-۲۰۰۴ و تحلیل رگرسیون، حجم اشتغال غیررسمی این کشور را ۶۳ درصد برآورد کردند. در این پژوهش، عواملی مانند سواد پایین افراد و گرایش زنان به فعالیت غیررسمی به دلیل ضعف سیستم‌های حمایتی اجتماعی و امنیت شغلی برای آنان، در گسترش اشتغال غیررسمی، مؤثر و معنادار دانسته شده است (Hendley and Arabsheibani, 2009: 990-1003).

براساس نتایج مطالعه بلوتی و تیستی با استفاده از مدل حداقل مربعات معمولی برای سال ۲۰۰۰ در ترکیه، رشد جمعیت بالا در مناطق روستایی، پدیده شهرنشینی و مهاجرت و تحصیلات پایین، در گسترش اشتغال در بخش غیررسمی معنادار است (Bulutay and Tasti, 2004: 22).



شکل ۱. معیارهای تشخیص مشاغل رسمی و غیررسمی

منبع: Sheehan and Fernando, 2013: 1098

در کنار مطالعات بین‌المللی، مطالعات زیادی در خصوص وضعیت اقتصاد بخش غیررسمی ایران صورت گرفته است. برای مثال، خلعتبری (۱۳۶۹) با استفاده از رویکرد نسبت نقد و مینا قراردادن سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ به‌عنوان سال‌های پایه، اندازه اقتصاد زیرزمینی کشور را حدود ۱۲۱۰ میلیارد ریال برآورد کرده است. باید توجه داشت که در این سال‌ها، اندازه اقتصاد زیرزمینی، صفر یا نزدیک به صفر بود، اما در مطالعه‌ای دیگر با استفاده از همان روش، اندازه اقتصاد زیرزمینی برای دوره ۱۳۴۰-۱۳۷۳ با انتخاب دو سال پایه متفاوت یعنی ۱۳۴۹ و ۱۳۵۵-۱۳۵۶، برآورد شده است. براساس برآوردهای وی، متوسط اندازه اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد رسمی به ترتیب ۶ و ۷ درصد است. خلعتبری علاوه بر روش نقد، از روش اختلاف در بودجه خانوار برای برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی بهره برد و با در نظر گرفتن سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۷ به‌عنوان سال‌های پایه، نسبت اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد رسمی را در سال ۱۹۹۰ در حدود ۲۴/۶۵ درصد محاسبه کرد.

در مطالعه‌ای دیگر، نیلی و ملکی (۱۳۸۵) با استفاده از مدل اقتصادسنجی مقطعی، اندازه اقتصاد غیررسمی را در ۶۳ کشور از جمله ایران بررسی کردند. براساس این پژوهش، بار مالیاتی، شدت مقررات، دخالت‌های دولت، فساد و رانت‌جویی از جمله عوامل تأثیرگذار بر ایجاد و گسترش بخش غیررسمی است.

شکیبایی و رییس‌پور (۱۳۸۶) با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری، به برآورد اقتصاد سایه‌ای در ایران پرداختند. براساس برآورد آن‌ها، میانگین اندازه غیررسمی برای دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۵، به ترتیب ۱۰/۲، ۱۰/۱ و ۱۶/۴ درصد از اقتصاد رسمی است. آن‌ها علت اصلی روند صعودی اقتصاد سایه‌ای را در ایران گسترش فزاینده بیکاری، گسترش جرائم اقتصادی و افزایش حضور دولت در اقتصاد می‌دانند.

ویسیان و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی شهر به این نتیجه رسیدند که اقتصاد غیررسمی نقش عمده‌ای را در ایجاد اشتغال، تولید و ایجاد درآمد دارد، اما با رشد چشم‌گیر خود سبب بروز مشکلاتی در حوزه مدیریت شهری می‌شود.

رنانی، میرزایی و اربابیان (۱۳۹۱) به بررسی ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته در بخش غیررسمی استان کهگیلویه و بویراحمد پرداختند و نتیجه گرفتند که ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی استان نشان می‌دهد تقریباً نیمی از شاغلان بخش غیررسمی استان، می‌توانند در بخش رسمی فعالیت کنند و ارتقا بیابند.

نقدی و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی در ورود به بخش اشتغال غیررسمی چاپارخانه شهر همدان، به دو نوع الگو و سبک کلی (اختیاری و اجباری) اشاره می‌کنند.

حسونوند، زرانژاد و منظر‌حجت (۱۳۹۵) در بررسی تأثیر نرخ بیکاری بر اقتصاد بخش غیررسمی در کشورهای در حال توسعه منتخب نتیجه گرفتند که نرخ بیکاری در کشورهای مورد مطالعه، تأثیری مثبت بر اقتصاد بخش غیررسمی دارد.

وجه تمایز مطالعه حاضر در مورد بررسی جایگاه شاغلان بخش غیررسمی در پایداری اقتصاد شهری با مطالعات پیشین این است که در مطالعات پیشین رویکردها به توسعه شهری عموماً یک‌سویه، معطوف به سیاست‌ها و اهداف اقتصادی توجه داشت. حال آنکه در این مطالعه، رویکرد سیستمی و چندوجهی است.

پژوهش حاضر ریشه‌های اقتصادی این مسئله را براساس بینش‌های پایداری شهر ارزیابی می‌کند تا بستر مناسبی برای درک بهتر، ارزشیابی و قضاوت آن‌ها هنگامی که در حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی به کار گرفته می‌شوند فراهم کند؛ از این‌رو مشاغل این بخش از ابعاد و زوایای مختلف، بررسی شده است تا آثار و عوارض مثبت و منفی آن‌ها بر جامعه تجزیه و تحلیل شود و راهکارهای مناسب برای تعامل یا تقابل با این پدیده اجتناب‌ناپذیر صورت بگیرد. وجه تشابه این مطالعه با مطالعات پیشین در آن است که مشاغل این بخش تحت نظارت و کنترل دولت نیست و خارج از

چارچوب قوانین و مقررات اقتصادی جامعه شکل گرفته است؛ از این رو می‌تواند در امور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی دولت اختلال ایجاد کند. همچنین نادیده گرفتن آن‌ها و افرادی که در آن مشغول هستند جایز نیست.

روش پژوهش

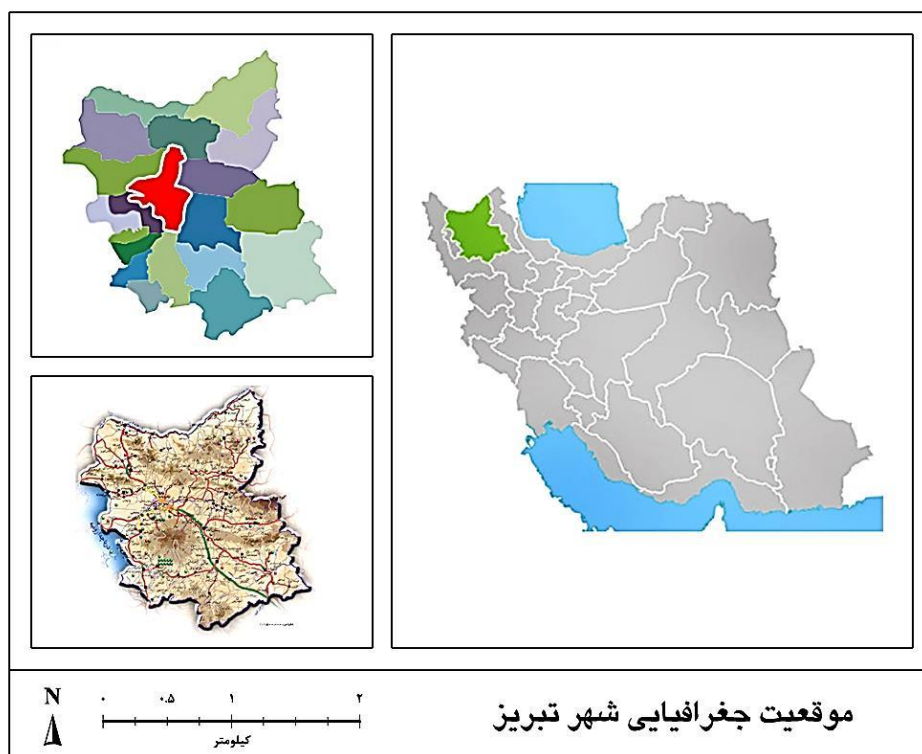
در پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر، از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. قسمت عمده پژوهش نیز به صورت پیمایشی صورت گرفت. برای بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی، به جامعه آماری نیاز بود. تعداد شاغلان کلان‌شهر تبریز براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران ۴۲۳۳۶۲ نفر است. جامعه آماری شاغلان در بخش غیررسمی کلان‌شهر تبریز، دقیقاً مشخص نیست و براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، حدود ۲۵ درصد، یعنی بالای ۱۰۰ هزار نفر هستند. برای پژوهش‌های توصیفی-میدانی با این تعداد، نمونه‌ای به حجم حداقل ۳۵۰ نفر ضروری است (دلاور، ۱۳۸۹: ۹۹)؛ از این رو در این پژوهش برای افزایش دقت، حجم نمونه ۳۹۰ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مناطق ده‌گانه شهر تبریز انتخاب شد.

برای افزایش روایی این پژوهش، از روش و تکنیک روایی محتوایی و صوری استفاده شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، پنجاه پرسشنامه بعد از اصلاحات انجام‌شده تایپ شد و تکمیل آن در شهر با اجرای آزمون مقدماتی صورت گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه و وارد کردن آن در نرم‌افزار SPSS، ضریب آلفای کرونباخ برای آن‌ها تعیین شد. به منظور تحلیل داده‌های پرسشنامه، روش‌های آماری مانند آماره‌های توصیفی، استنباطی و آزمون خی‌دو (χ^2) به کار رفت. همچنین تحلیل واریانس با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.

شهر تبریز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است. تبریز بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، این شهر با جمعیتی بالغ بر ۱۰۷۷۳۰۰۳۳ نفر، چهارمین شهر پرجمعیت ایران پس از تهران، مشهد و اصفهان محسوب می‌شود (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

محدوده مکانی این پژوهش، کلان‌شهر تبریز است که مهاجران روستایی را از نقاط مختلف آذربایجان شرقی و استان‌های هم‌جوار می‌پذیرد. شهر تبریز مانند سایر شهرهای کشورهای در حال توسعه که در مرحله فرایند گذار از سنت به مدرنیته هستند، در دهه‌های گذشته با اجرای برنامه‌های نوسازی، به‌عنوان یکی از قطب‌های رشد کشور و منطقه شمال غرب مطرح شده است. بیشتر صنایع بزرگ و خدمات در این شهر متمرکز شده‌اند. به دلیل دوگانگی اقتصادی و شهری، همچنین دوگانگی شهر-روستا، روستاییان کم‌درآمد، تنها راه نجات از فقر و بیکاری را حرکت به سوی تبریز دانسته‌اند، اما مادرشهر تبریز توان جذب مهاجران بدون تخصص و مهارت را ندارد و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای اشتغال این جمعیت باشد. با این حال، مهاجرت روستاییان به شهر، زمینه تمرکز جمعیت و بروز مشکلاتی مانند اسکان غیررسمی، بیکاری، فقر و گسترش پدیده‌ای به نام بخش غیررسمی را فراهم کرده است.

پژوهش حاضر در جست‌وجوی شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات این بخش در محدوده تعیین‌شده مناطق ده‌گانه شهرداری تبریز در حال حاضر از نظر زمانی است (شکل ۲).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر تبریز
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

بحث و یافته‌ها

توزیع جغرافیایی فعالیت‌ها و شاغلان

براساس مطالعات و شواهد موجود، توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در کلان‌شهر تبریز مانند نظام شهری کشورهای درحال توسعه نامتعادل است؛ از این رو می‌توان گفت پراکنش مشاغل غیررسمی در کلان‌شهر تبریز به صورت دو فعالیت پوشاک‌فروشی با توزیع فراوانی ۱۱/۵ درصد و میوه‌فروشی با توزیع فراوانی ۱۰/۸ درصد، بیشترین میزان را دارند و به‌عنوان فعالیت‌های غالب بخش اقتصاد غیررسمی در کلان‌شهر تبریز محسوب می‌شوند. توزیع جغرافیایی فعالیت‌های بخش غیررسمی، بیشتر در مناطق پرجمعیت و بر مراکز و خیابان‌های اصلی شهر منطبق است. همچنین توزیع جغرافیایی شاغلان در بخش اقتصاد غیررسمی در کلان‌شهر تبریز به این صورت است: منطقه ۱ با ۲۶/۴ درصد، منطقه ۴ با ۱۳/۸ درصد و منطقه ۸ با ۱۳/۶ درصد، بیشترین فراوانی تعداد شاغلان را دارند. مناطق ۷، ۲، ۳ و ۵، به ترتیب با ۹/۷، ۹/۵، ۹ و ۷/۲ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند، اما در مناطق ۶، ۱۰ و ۹ تعداد شاغلان این بخش بسیار اندک و قابل چشم‌پوشی است. در منطقه ۶، ۳/۳ درصد، منطقه ۱۰، ۳/۶ درصد و منطقه ۹، ۳/۸ درصد از مجموع شاغلان این بخش فعالیت دارند. در این پژوهش براساس تعریف سالنامه آماری مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، تمام افراد ده‌ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، براساس تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کردند یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده‌اند، شاغل محسوب می‌شوند.

مهاجرت‌های روستا-شهری

افزایش حجم و شدت فرایندهای مهاجرتی از دلایل اصلی گسترش بخش غیررسمی اقتصاد است؛ زیرا مهاجران، جمعیتی

شکندنده و ضعیف‌اند که می‌توانند به‌سادگی در مدارهای بخش غیررسمی جذب شوند و بدترین شرایط کاری را با کمترین و بی‌ثبات‌ترین دستمزدها، به‌ویژه در مادرشهرهای بزرگ بپذیرند (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۸۰). در کلان‌شهر تبریز ۳۷/۲ درصد از شاغلان بخش غیررسمی از سایر شهرستان و نقاط به این شهر مهاجرت کرده‌اند. مطالعه مبدأ مهاجران نشان می‌دهد مهاجرت به تبریز و منطقه شهری آن، بیشتر به‌صورت درون منطقه‌ای است. همچنین این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد مبدأ حرکت بیش از ۸۰ درصد مهاجران، از داخل استان بوده است (جدول ۱).

سطح سواد افراد شاغل

بی‌سوادی در میان بخش غیررسمی در ایران تقریباً عمومیت دارد. آموزش رسمی در میان خانواده‌های این گروه جای ندارد و تحصیل‌کردگان متوسط به بالا در میان آن‌ها بسیار اندک است (جمالی، صدر موسوی، دخت لیوارجانی، ۱۳۸۷: ۳۰). براساس نتایج پرسشنامه‌ها، ۱۹/۷ درصد شاغلان بخش غیررسمی در کلان‌شهر تبریز، بی‌سواد، تحصیلات ۲۵/۱ درصد آن‌ها ابتدایی، ۲۷/۲ درصد راهنمایی، ۱۵/۴ درصد متوسطه و ۱۲/۶ درصد لیسانس به بالاتر (جدول ۲).

علل اشتغال در بخش غیررسمی

تأمین شغل در جامعه فقیر، مهم‌ترین وسیله برای توزیع درآمد است. در این میان، نبود توازن در توزیع فرصت‌های شغلی در مناطق شهری و روستایی، سبب گرایش به بخش غیررسمی شده است (ویسیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸). براساس یافته‌های پژوهش، در کلان‌شهر تبریز از مجموع ۳۹۰ پاسخگو، ۵۹ درصد (۲۳۰ نفر) نمی‌توانستند در بخش رسمی فعالیت داشته باشند. از مجموع ۳۹۰ نفر، ۸۰/۳ درصد (۳۱۳ نفر) متخصص نبودند. همچنین ۳۴/۶ درصد (۱۳۵ نفر) سرمایه کافی نداشتند تا در کار رسمی سرمایه‌گذاری کنند و در آن مشغول به کار شوند (جدول ۳).

جدول ۱. توزیع فراوانی محل تولد شاغلان در بخش غیررسمی کلان‌شهر تبریز

محل تولد	فراوانی	درصد
شهرستان تبریز	۲۴۵	۶۲/۸
سایر شهرستان‌های استان	۱۰۴	۲۶/۶
سایر نقاط	۴۱	۱۰/۵
جمع	۳۹۰	۱۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

جدول ۲. توزیع فراوانی سطح تحصیلات افراد شاغل در بخش غیررسمی کلان‌شهر تبریز

تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۷۷	۱۹/۷
ابتدایی	۹۸	۲۵/۱
راهنمایی	۱۰۵	۲۷/۲
متوسطه	۶۰	۱۵/۴
لیسانس و بالاتر	۴۹	۱۲/۶
جمع	۳۹۰	۱۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

جدول ۳. توزیع فراوانی دلایل اشتغال افراد شاغل در بخش غیررسمی کلان‌شهر تبریز

جمع کل	بدون جواب	خیر	بلی	دلیل اشتغال
۳۹۰	۵	۱۵۵	۲۳۰	فراوانی
۱۰۰	۱/۳	۳۹/۷	۵۹	درصد
۳۹۰	۶	۷۱	۳۱۳	فراوانی
۱۰۰	۱/۵	۱۸/۲	۸۰/۳	درصد
۳۹۰	۳	۲۵۲	۱۳۵	فراوانی
۱۰۰	۰/۸	۶۴/۶	۳۴/۶	درصد
۳۹۰	۶	۹۶	۲۸۸	فراوانی
۱۰۰	۱/۵	۲۴/۶	۷۳/۸	درصد

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

درآمد شاغلان بخش غیررسمی

از مشخصات بارز فعالیت‌های بخش غیررسمی، پایین بودن میزان درآمد شاغلان در این بخش است. پاسخگویان میزان درآمد ماهیانه خود را به ترتیب زیر اعلام کردند:

۱۸/۳ درصد (۷۱ نفر) ۲۰۰ هزار تومان و کمتر، ۸/۳ درصد (۳۲ نفر) ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۳۰/۱ درصد (۱۲۰ نفر) ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۱۴/۴ درصد (۵۵ نفر) ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان، ۲۱/۳ درصد (۸۳ نفر) ۸۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون و ۵/۴ درصد (۲۱ نفر) از آن‌ها در ماه درآمد داشتند. براین اساس، بیشتر پاسخگویان، درآمدی بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان در ماه داشتند).

جدول ۴. توزیع فراوانی درآمد شاغلان بخش غیررسمی در کلان‌شهر تبریز

درآمد	فراوانی	درصد
۲۰۰ هزار تومان و کمتر	۷۱	۱۸/۳
۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان	۳۲	۸/۳
۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان	۱۲۰	۳۰/۱
۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان	۵۵	۱۴/۴
۸۰۰ تا ۱ میلیون تومان	۸۳	۲۱/۳
یک میلیون تومان و بالاتر	۲۱	۵/۴
بدون جواب	۸	۲/۱
جمع	۳۹۰	۱۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

وضعیت مسکن شاغلان بخش غیررسمی

مسکن چیزی بیش از یک سرپناه فیزیکی است که تمام خدمات و تسهیلات عمومی لازم را برای بهزیستی انسان شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده آن فراهم باشد (پورمحمدی، ۱۳۸۲: ۳۰). یکی از ویژگی‌های بارز زندگی شاغلان غیررسمی، اسکان غیررسمی آن‌هاست. این مسئله یکی از نمودهای بارز فقر شهری است که درون شهرها یا مجاور آن‌ها (به‌ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، بدون مجوز ساختمان و برنامه‌ریزی

رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی مانند حاشیه‌نشینی، اسکان غیررسمی و سکونت‌گاه‌های خودرو شناخته می‌شود (هاروی، ۱۳۷۶: ۷۲). مشخصه‌های اصلی چنین مناطقی، نداشتن خدمات پایه و اساسی، نبود امنیت در تصرف زمین، سکونت خانوارهای کم‌درآمد و وابستگی شدید به فرصت‌های شغلی غیررسمی است (صرافی، ۱۳۸۱: ۶).

در ادامه، براساس یافته‌های پژوهش وضعیت سند مسکن و تسهیلات مسکن شاغلان بخش غیررسمی کلان‌شهر تبریز بیان می‌شود.

وضعیت سند مسکن

براساس یافته‌های پژوهش، وضعیت سند مسکن پاسخگویان چنین است: ۵۹ درصد (۲۳۰ نفر) دارای سند ملکی، ۳۰ درصد (۱۱۷ نفر) دارای سند قولنامه‌ای و ۱۱ درصد (۴۳ نفر) بدون سند (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع فراوانی وضعیت سند مسکن شاغلان بخش غیررسمی در کلان‌شهر تبریز

نوع مسکن	فراوانی	درصد
ملکی	۲۳۰	۵۹
قولنامه‌ای	۱۱۷	۳۰
بدون سند	۱۱	۱۱
جمع کل	۳۹۰	۱۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

وضعیت تسهیلات مسکن

براساس یافته‌های پژوهش، تسهیلات آب برق و گاز در مسکن تمامی پاسخگویان وجود دارد. از این میان، ۲/۱۱ درصد (۸ مورد) تلفن و ۳/۷۵ درصد (۲۵ مورد) فاضلاب نداشتند.

تحلیل استنباطی داده‌ها

در این بخش نتایج استنباطی و تحلیل آزمون بیان می‌شود و در ابتدا، تحلیل رابطه میان مهاجرت و فعالیت در بخش اقتصاد غیررسمی صورت می‌گیرد و نتایج آن در جدول‌های ۶ و ۷ نشان داده می‌شود.

جدول ۶. فراوانی‌های مشاهده‌شده و مورد انتظار، به تفکیک اشتغال و مهاجرت

کل	مهاجرت		اشتغال
	غیر مهاجر	مهاجر	
۲۹۶	۱۳۱	۲۱۱	فراوانی مشاهده‌شده
۰/۳۴۲	۰/۱۲۸	۰/۲۱۴	فراوانی مورد انتظار
۲۰	۱۵	۳۳	فراوانی مشاهده‌شده
۰/۴۸	۰/۳۰	۰/۱۸	فراوانی مورد انتظار
۳۹۰	۱۴۶	۲۴۴	کل
۰/۳۹۰	۰/۱۴۶	۰/۲۴۴	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

جدول ۷. نتیجه حاصل از اجرای آزمون خی دو و وی کرامر برای تعیین معناداری رابطه میان مهاجرت و بخش غیررسمی

مجدور خی دو	درجه آزادی	وی کرامر	سطح معناداری
۱۰/۳۶	۳	۰/۱۶۳	۰/۰۰۰

مهاجرت و بخش غیررسمی

براساس یافته‌های جدول‌های ۶ و ۷، افراد مهاجر شاغل در بخش غیررسمی (۲۱۱ نفر) از افراد غیرمهاجر (۱۳۱ نفر) فراوان‌ترند. مجدور خی دو محاسبه شده ($\chi^2 = 10/36$) با درجه آزادی ۳، به منظور بررسی تفاوت میان فراوانی‌های مشاهده شده برای شاغلان مهاجر، ۱۷۹ مورد و غیرمهاجر ۱۱۷ مورد در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. برای بررسی رابطه میان مهاجرت و فعالیت در بخش غیررسمی از آزمون وی کرامر استفاده شد و نتیجه آن نشان داد مقدار ضریب وی کرامر (۰/۱۶۳) بیانگر وجود رابطه معنادار میان دو متغیر فوق است؛ بنابراین، فرضیه «میان مهاجرت و بخش غیررسمی، رابطه وجود دارد» تأیید می‌شود.

برای بررسی رابطه میان اسکان غیررسمی و فعالیت در بخش غیررسمی، از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج آزمون‌های خی دو و وی کرامر برای بررسی رابطه میان اسکان غیررسمی و اشتغال در بخش غیررسمی در جدول‌های ۹ و ۱۰ آمده است.

جدول ۸. فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار به تفکیک اشتغال و محل سکونت

کل	محل سکونت		اشتغال
	اسکان رسمی	اسکان غیررسمی	
۳۴۳	۱۴۳	۲۰۰	فراوانی مشاهده شده
۳۴۳/۰	۱۴۲/۵	۲۰۰/۶	فراوانی مورد انتظار
۴۷	۱۹	۲۸	فراوانی مشاهده شده
۴۷/۰	۱۵/۶	۲۰/۴	فراوانی مورد انتظار
۳۹۰	۱۶۲	۲۲۸	کل
۳۹۰/۰	۱۶۲/۰	۲۲۸/۰	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

جدول ۹. نتیجه حاصل از اجرای آزمون خی دو و وی کرامر برای تعیین معناداری رابطه میان اسکان غیررسمی

و بخش اقتصاد غیررسمی

مجدور خی دو	درجه آزادی	وی کرامر	سطح معناداری
۱۱/۱۶	۱	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰

اسکان غیررسمی و بخش غیررسمی

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

براساس یافته‌های جدول‌های ۸ و ۹، فراوانی‌های ساکنان غیررسمی شاغل در بخش غیررسمی (۲۰۰ نفر) از افراد اسکان رسمی (۱۴۳ نفر) بالاست و مجدور خی دو محاسبه شده ($\chi^2 = 11/16$) با درجه آزادی ۱ برای بررسی تفاوت میان فراوانی‌های مشاهده شده برای شاغلان اسکان غیررسمی (۲۰۰ مورد) و اسکان رسمی (۱۴۳ مورد) در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. برای بررسی رابطه میان اسکان غیررسمی و فعالیت در بخش غیررسمی، از آزمون وی کرامر استفاده شد. بر این اساس، مقدار ضریب وی کرامر ۱۸۵/۰ بیانگر وجود رابطه معنادار میان دو متغیر فوق است؛ بنابراین فرضیه «میان اسکان غیررسمی و فعالیت در بخش اقتصاد غیررسمی رابطه وجود دارد» تأیید می‌شود.

فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار، و مقدار خی دو برای بررسی رابطه میان سطح تحصیلات و فعالیت در بخش غیررسمی در جدول‌های ۱۱ و ۱۲ نشان داده شده است.

جدول ۱۰. فراوانی‌های مشاهده‌شده و مورد انتظار به تفکیک سطح تحصیلات افراد شاغل در بخش غیررسمی

سطح تحصیلات	فراوانی مشاهده‌شده	فراوانی مورد انتظار
بی‌سواد	۷۷	۸/۷۷
ابتدایی	۹۸	۸/۷۷
راهنمایی	۱۰۵	۸/۷۷
متوسطه	۶۰	۸/۷۷
لیسانس	۴۹	۸/۷۷
کل	۳۹۰	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

جدول ۱۱. آزمون χ^2 دو‌خی‌دو برای تعیین معناداری رابطه میان میزان تحصیلات و فعالیت در بخش غیررسمی

تحصیلات	مقدار χ^2
مقدار χ^2	۴۸/۲۹
درجه آزادی	۴
سطح معنی‌داری	۰۰۰/۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

یافته‌های جدول‌های ۱۰ و ۱۱ نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مشاهده‌شده (۱۰۵ مورد) به شاغلان با تحصیلات راهنمایی و کمترین آن (۴۹ مورد) به شاغلانی با تحصیلات لیسانس و بالاتر تعلق دارد. χ^2 با درجه آزادی ۴، برای بررسی تفاوت فراوانی‌های مشاهده‌شده میان سطح تحصیلات افراد شاغل در بخش غیررسمی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است؛ یعنی میان میزان تحصیلات و بخش غیررسمی رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه «بین سطح تحصیلات و فعالیت در بخش غیررسمی رابطه وجود دارد» تأیید می‌شود؛ یعنی سطح تحصیلات مستقل از نوع اشتغال نیست و این دو با یکدیگر ارتباط دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه یکی از معضلات اقتصادی و اجتماعی در بیشتر شهرهای کشورهای جهان سوم، از جمله شهرهای ایران، مشاغل غیررسمی و تبعات ناشی از آن است. تنوع و گستردگی بسیار زیاد بخش غیررسمی و اهمیت آن در اقتصاد شهری تا حدی است که نمی‌توان اهمیت آن را نادیده گرفت؛ از این رو می‌توان یافته‌های پژوهش حاضر را به صورت زیر بیان کرد: ۸۰/۳ درصد افراد شاغل در بخش غیررسمی، افراد غیرمتخصصی هستند که می‌توان عمده تمرکز آن‌ها را در خیابان‌ها و میدان‌های اصلی شهر مشاهده کرد. ۷۲ درصد افراد شاغل در بخش غیررسمی، تحصیلات کمتر از دیپلم دارند. براین اساس می‌توان گفت پایین بودن سطح سواد و نداشتن تخصص، مهم‌ترین ویژگی در فرایند جذب در بخش غیررسمی در کلان‌شهر تبریز به شمار می‌رود. ۳۷/۱ درصد شاغلان در این بخش را افراد مهاجر از سایر شهرستان‌ها و نقاط دیگر تشکیل می‌دهد. همچنین مبدأ حرکت بیش از ۸۰ درصد مهاجران به کلان‌شهر تبریز از داخل استان است که برای یافتن کار و بهبود وضعیت زندگی فعلی خود مجبور شدند به این شهر مهاجرت کنند. ۵۹ درصد افراد به دلیل عدم امکان اشتغال در بخش رسمی به این بخش وارد شده‌اند که این مسئله ممکن است دلیلی بر نبود زیرساخت‌های اقتصادی مناسب در منطقه برای جذب این افراد باشد. ۳۴/۶ درصد افراد سرمایه کافی نداشته‌اند تا در کار رسمی سرمایه‌گذاری کنند و در آن مشغول به کار شوند. در این پژوهش، جنبه‌های مختلف اقتصاد غیررسمی بررسی شد.

درحقیقت، بخش غیررسمی شامل فعالیت‌های درآمدزایی است که جزء ثبت و ضبط رسمی و قانونی کشور نیست و بخش عمده‌ای از قوانین و مقررات کشور، امکان شناسایی این فعالیت‌ها و پوشش قانونمند آن را پیدا نمی‌کند. به همین دلیل، شاغلان این بخش معمولاً در آمارها و اطلاعات رسمی به حساب نمی‌آیند، مالیات نمی‌دهند، بیمه نمی‌شوند، از مقررات حمایتی قانون کار و قانون تأمین اجتماعی خارج هستند، در برابر حوادث شغلی، بیماری‌ها، از کارافتادگی و فوت، اخراج از کار و سایر موقعیت‌های تهدیدکننده شغلی و اجتماعی محروم هستند و به همین ترتیب در انجام تکالیف و مسئولیت‌های اجتماعی خود بی‌تفاوت و سهل‌انگار هستند. نتایج این پژوهش، یافته پژوهش‌های دیگر را ثابت می‌کند. به طور کلی، بخش غیررسمی در کشورهای در حال توسعه هم‌جهت با رشد بخش رسمی اقتصاد نیست. وجود فرار مالیاتی، وجه مشترک بخش اقتصاد غیررسمی در بیشتر پژوهش‌هاست.

با توجه به نتایج پژوهش و از آنجا که امکان برخورد فیزیکی و حذف این‌گونه مشاغل وجود ندارد و اینکه نمی‌توان این مشاغل را به حال خود رها کرد، لازم است مسئولان به این بخش توجه جدی داشته باشند. به همین منظور، برای سامان‌دهی این بخش در کلان‌شهر تبریز پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

۱. از آنجا که ۷۲ درصد شاغلان در این بخش بی‌سواد و کم‌سواد هستند و ۸۰/۳ درصد تخصص کافی ندارند، می‌توان بخش اعظم این افراد را به صورت رایگان در مراکز فنی و حرفه‌ای آموزش داد تا با هدایت آن‌ها، گامی به سوی مشاغل رسمی برداشته شود.

۲. از آنجا که ۳۷/۱ درصد جمعیت بخش غیررسمی، افراد مهاجر از شهرستان‌های کوچک و روستاهای آن‌ها هستند که برای یافتن کار و بهبود وضعیت زندگی فعلی خود مجبور به مهاجرت شده‌اند، می‌توان با ایجاد صنایع کوچک تبدیلی در این مناطق، برای جلوگیری از مهاجرت آن‌ها گامی ارزنده برداشت.

۳. در کلان‌شهر تبریز ۵۹ درصد شاغلان دلیل ورود خود به بخش غیررسمی را عدم امکان اشتغال در بخش رسمی و ۳۴/۶ درصد نیز نداشتن سرمایه کافی اظهار کرده‌اند. سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های زیربنایی به منظور افزایش ظرفیت تولید، توجه به سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی، اولویت قراردادن استخدام نیروی کار بومی در بخش‌های متعدد، جذب سرمایه‌های سرگردان برای ایجاد مشاغل کاربر به‌جای سرمایه‌بر می‌تواند بحران بیکاری را تا حدودی در منطقه ریشه‌کن کند. اعطای وام‌های بدون بهره برای خانواده‌های کم‌درآمد که سرمایه اندک دارند، می‌تواند این مشاغل را به سوی رسمی‌شدن سوق دهد.

* کمک دولتی برای توسعه زیربنای لازم و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش از جمله بهبود شبکه‌های حمل و نقل میان روستا و شهر برای ایجاد صنایع روستایی و کاهش نرخ رشد جمعیت شهری با تسهیل جابه‌جایی روزانه میان مناطق شهری و روستایی صورت بگیرد.

* اقدامات اساسی برای تحت پوشش قراردادن فعالان بخش اقتصاد غیررسمی در تأمین اجتماعی توسط ارگان‌ها و سازمان‌های متولی این امر صورت گیرد.

منابع

۱. بردبار، مهرداد، ۱۳۸۸، **نگاهی به روند توسعه شهرنشینی و نقش شهرهای کوچک ایران**، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۱۴.
۲. پورمحمدی، محمدرضا، ۱۳۸۲، **برنامه‌ریزی مسکن**، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
۳. توماس، جی‌جی، ریسکاوچ، رائول و سیستو، وینجنر، ۱۳۷۶، **اقتصاد غیررسمی**، ترجمه منوچهر نوربخش و کامران سپهری، چاپ اول، انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.

۴. جمالی، فیروز، صدر موسوی، میرستار و پروین دخت لیوارجانی، ۱۳۸۷، **بررسی ویژگی‌های مشاغل غیررسمی در مادرشهر تبریز**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۹، صص ۱۹-۴۶.
۵. حسوند، سمیه، زرانژاد، منصور و امیرحسین منظرحجت، ۱۳۹۵، **تحلیل تأثیر نرخ بیکاری بر اقتصاد سایه در کشورهای درحال توسعه**، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۰۳-۱۱۸.
۶. خلعتبری، فیروزه، ۱۳۶۹، **اقتصاد زیرزمینی**، مجله رونق، سال اول، شماره ۱ و ۲، صص ۵-۱۸.
۷. دلاور، علی، ۱۳۸۹، **روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی**، چاپ ۱۹، نشر ویرایش، تهران.
۸. رنای، محسن و ساغر باباحیدری، ۱۳۸۵، **اشتغال غیررسمی در ایران، مروری بر مطالعات**، مجله اقتصاد و جامعه، سال دوم، شماره ۹، صص ۷۸-۱۲۳.
۹. رنای، محسن، میرزایی، محمد و شیرین اربابیان، ۱۳۹۱، **بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی ازدست‌رفته (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد)**، فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۹۹-۱۳۰.
۱۰. سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۱، **نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۱۱. ستاری‌فر، محمد، زارعی، حمیدرضا و نوشین شکری، ۱۳۹۳، **اثر مهاجرت و شهرنشینی بر اشتغال غیررسمی در مناطق مختلف ایران**، فصلنامه علوم اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۴۹-۷۰.
۱۲. شکیبایی، علیرضا و علی رییس‌پور، ۱۳۸۶، **بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران**، نشریه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۳، صص ۱۷-۳۶.
۱۳. صرافی، مظفر، ۱۳۸۱، **از حاشیه‌نشینی تا شهرنشینی**، فصلنامه هفت شهر، سال دوم، شماره ۸، ص ۶.
۱۴. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۴، **در هزار توه‌های نظم جهانی**، چاپ اول، نشر نی، تهران.
۱۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، **نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۱۶. نقدی، اسدالله و همکاران، ۱۳۹۳، **بررسی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی در ورود به بخش اشتغال غیررسمی (مطالعه موردی: شاگردمکانیک‌های چاپارخانه همدان)**، نشریه مطالعه و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۶۳.
۱۷. نواح، عبدالرضا، حسین زاده، علی حسین و نسرتین درویشی، ۱۳۸۶، **بررسی علل گرایش به مشاغل کاذب در شهر اهواز**، مجله پژوهش‌های دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، شماره ۲۸، صص ۴۵-۵۶.
۱۸. نیلی، مسعود و منصور ملکی، ۱۳۸۵، **اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی**، فصلنامه شریف، شماره ۳۶، صص ۴۵-۵۶.
۱۹. ویسیان، محمد و همکاران، ۱۳۹۴، **تحلیلی بر وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی (مطالعه موردی: شهر قروه)**، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۲۳.
۲۰. هاروی، دیوید، ۱۳۷۶، **عدالت اجتماعی و شهر**، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۲۱. هال، پیترو و اولریخ فایفر، ۱۳۸۸، **آینده شهری قرن ۲۱**، ترجمه اسماعیل صادقی و ناهید صفا، چاپ اول، انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران، تهران.
22. Bulutay, T., and Tasti, E., 2004, Informal Sector in Turkish Labor Market, Turkish Economic Association, Discussion Paper (22).
23. Chen, M., 2005, The Business Environment Informal Economy Creating Condition Poverty Reduction, Cairo, Egypty.
24. Daniles, P.W., 2004, Urban Challenges: The Formal and Informal Economics In Mage –Cities, Cities, Vol. 21, No. 6, PP. 501-511.
25. Dell’Anno, R., and Solomon, O. H, 2008, Shadow Economy and Unemployment Rate in USA: Is

- There Structural Relationship? An Ampirical Analysis, *Applied Economics*, Vol. 40, No. 19, PP. 2537-2555.
26. Elgin, C., and Oyvot, C., 2013, *Lurking in the Cities: Urbanization and the Informal Economy*, *Structural Change and Economic Dynamics*, No. 27, PP. 36-47.
 27. Figeedgard, L., 1990, *Defining and Estimating Underground and Informal Economies*, *he New Institutional Economics, Approach, World Development*, No 17-18, PP. 989-1002.
 28. Gulzar, A., Junaid, N., and Haider, A, 2012, *What is Hidden in the Hidden Economy of Pakistan? Size, Causes, Issues and Implications*, *The Pakistan Development Review*, Vol. 49, No. 4, PP. 665-704.
 29. Hendley Y, A., Arabsheibani, G. R., and Carneiro, F. G, 2009, *on Defining and Measuring the Informal Sector, Evidence From Brazil*, *World Development*, Vol. 37, No. 5, PP. 992-1003.
 30. Ilo., 2012, *Measuring the Economically Active in Population Censuses: A Handbook* (NewYork).
 31. Jonasson, E, 20011, *Informal Employment and Role Regional Governance*, *Review of Development Economics*, Vol. 15, No. 3, PP. 429-441.
 32. Oviedo, A. M, Thomas, M.R., and Karakurumozdemir, K, 2009, *Economic Informality: Causes, Costs and Policies: A Literature Survey*, No. 167, World Bank, Free PDF.
 33. Romero, R., 2009, *The Daynamic of Informal Economy*, London: Oxford University Press.
 34. Schneider, F., 2007, *The Size of The Shadw Economies of 145 Countries All Over The World: Firstresults Over The Period 1999 To 2003*, *Journal of Population Economics*, Vol. 20, No. 3, PP. 495-526.
 35. Sheehan, C.M., and Fernando, R., 2013, *Migration, Business Formation and Informal Economy n Urban Mexico*, *Social Science Research*, No. 42, PP. 1092-1108.
 36. Yuki, K., 2007, *Urbanization Informal Sector and Development*, *Journal of Development Economics*, No. 84, PP. 76-103.